

## ابن مسکویه و تکامل انواع

محمد نصر اصفهانی<sup>۱</sup>

### چکیده

احمد بن محمد رازی معروف به ابن مسکویه، فیلسوف، مورخ، پزشک و ادیب پر آوازه قرن پنجم (۴۲۱ق/۱۰۳۹م) اواخر عمر خود را در اصفهان زیست و در همین شهر نیز چشم از جهان فرو بست. اندیشه‌های مربوط به حکمت نظری او در کتاب *الفوؤد الاصر* و اندیشه‌های مربوط به حکمت عملی او در *تهذیب الاخلاق* است.

یکی از آراء فلسفی ابن مسکویه، باور به اتصال و پیوند ارگانیک بین موجودات طبیعی جهان است. ابن مسکویه، عالم جسمانی را همچون عالم روحانی تو در تو و دارای مراتبی، محیط بر یکدیگر و به هم متصل می‌داند و نقشه‌ای جامع برای آن ترسیم می‌کند.

به نظر او حرکت هر متحرکی، گویی هوشمندانه، حرکت به سمت تمامیت خویش و به سوی آن چیزی است که موافق او است. این حرکت شوقی است و عاشق، معلول معشوق خود است. به نظر ابن مسکویه برای مشخص کردن مراحل تکامل، انسان که شاخص‌ترین موجود عالم است و از میان انسان‌ها انبیاء که کامل‌ترین انسان‌ها است، ضروری است که چگونگی اتصال موجودات به یکدیگر را روشن سازیم. ابن مسکویه معتقد بود خدا به حکمت و تدبیر متقن خود هر نوع را به اصناف و گونه‌های مختلف تقسیم کرده است که هر یک از این گونه‌ها نسبت به دیگری کامل‌ترند تا می‌رسد به آخرین گونه از نوع. آخر هر نوع متصل به اول نوع بعدی است. در این مسیر گیاه، حیوان و حیوان انسان شود. انسان کامل زیستی تکامل معنوی یافته به آخرین مرتبه انسانیت که نبوت است، می‌رسد. به نظر او نبی در همین دنیا به مجاورت و افق نوع بعد که عقل یا ملک است، می‌رسد. منظومه فکری ابن مسکویه جوابگوی تبیین فلسفی نظریه تکامل نبود چون هنوز فلسفه ظرفیت کافی برای تبیین اینگونه مسائل را نداشت ولی اگر او هندسه فکری ملاصدرا را می‌داشت به خوبی می‌توانست از پس تبیین نظریه تکامل برآید.

**واژگان کلیدی:** ابن مسکویه، تکامل، تکامل انواع، ملاصدرا